

تحلیل نقش آفرینی زنان مسلمان در سیاست و جنگ در تاریخ اسلام و ایران معاصر بر اساس الگوی سوم زن مسلمان

دکتر نرجس رودگر*

دکتر ناهید طیبی**

اشاره

نوشتار حاضر به بررسی و تبیین جایگاه و نقش آفرینی زنان در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و مقاومت با تکیه بر گفتمان «الگوی سوم زن مسلمان» می‌پردازد. این پژوهش ضمن نقد رویکردهای افراطی و تفریطی، بر محوریت هم‌زمان زن در خانواده و اجتماع تأکید می‌کند. با واکاوی شواهد تاریخی از صدر اسلام تا تاریخ معاصر ایران و جنگ‌های اخیر، نشان داده می‌شود که زنان همواره در قالب حرکات جمعی و در جایگاه «فرانقش» هدایتگری، حضوری آگاهانه، مستقل و مؤثر داشته‌اند. در نهایت، نوشتار استدلال می‌کند که در نبردهای ترکیبی و «خانواده‌محور» امروز، زنان با حفظ کرامت ذاتی، حریم عفاف و ایفای نقش بی‌بدیل در تربیت و مدیریت عاطفی خانواده، در مرکز دفاع منطقه‌ای و انتقال هویت تمدنی به نسل‌های آینده قرار دارند.

مقدمه

جایگاه زنان در جامعه و سیاست از دغدغه‌های مهم جهان معاصر است؛ موضوعی که اغلب با افراط و تفریط همراه می‌شود. زن در نگاه سنتی و متحجرانه در حاشیه جامعه و سیاست قرار می‌گیرد؛ حتی در بالاترین سطح، نقش او به مشارکت‌هایی محدود و در حاشیه تقلیل می‌یابد؛ اما در الگوی مدرن، هرچند ادعای اعطای منزلتی برابر با مردان در عرصه اجتماعی و سیاسی

* دانشیار فلسفه اسلامی جامعه المصطفی و عضو علمی گروه مطالعات خانواده دانشگاه باقرالعلوم (ع).
** دکترای تاریخ اسلام، مدرس و پژوهشگر جامعه الزهراء (ع).

وجود دارد، این منزلت بخشی اغلب به طور نمایشی و صوری و همراه با نوعی انحراف یا بی‌توجهی به سایر ابعاد هویتی و تمدنی شخصیت زن است. افزون بر اینکه از عرصه خانواده که مهم‌ترین عرصه حیات زنانه و محل ظهور بیشترین ابعاد هویتی زن است، غفلت می‌شود یا بی‌اهمیت یا حتی مخرب انگاشته شده است.

بررسی نقش‌های زنان در مقاومت و جنگ تحمیلی رمضان، نشان‌دهنده پدیده‌ای فراتر از نقش اجتماعی بسیط و ساده زنان است. اصطلاح «فرانقش» در ادبیات جامعه‌شناسی می‌تواند بیان‌کننده عظمت این حضور باشد. با اینکه هدایتگری را می‌توان نقشی مستقل در نظر گرفت، با توجه به اینکه همه نقش‌های دیگر به شکلی زیرمجموعه آن هم قرار می‌گیرند، هدایتگری به‌مثابه یک فرانقش در نظر گرفته می‌شود.

نقش آفرینی زنان مسلمان در تاریخ اسلام در سیاست و جنگ

واحدهای اطلاعاتی تاریخ زنان شاهدهی است بر اینکه آموزه‌های اسلامی در ایجاد بستری مناسب برای نقش آفرینی زنان بسیار تأثیرگذار بوده است. نقطه آغاز این حرکت در عصر نبوی بود که بحث آموزش زنان و خواندن و نوشتن در صدر برنامه‌های مربوط به زنان قرار گرفت^۱ و ورود زنان به فعالیت‌های سیاسی مانند بیعت زنان در جریان فتح مکه،^۲ حضور در جنگ‌ها، امدادگری و ...، زمینه مشارکت سیاسی جامعه زنان را در سایه دین اسلام فراهم آورد. همچنین عرصه‌های فرهنگی مانند روایتگری زنانی چون ام سلمه، زینب عطاره و فعالیت‌های اقتصادی افرادی چون زینب بنت جحش و رانظه همسر عبدالله بن مسعود،^۳ تقدم زنان بر همسرانشان در پذیرش اسلام^۴ جلوه دیگری از جایگاه و نقش زن در عصر نبوی را به نمایش گذاشت و نشان از نقش آفرینی ویژه آنان در دوره اسلامی داشت.^۵ نقش‌های زنان در جامعه و عصر امام علی علیه السلام با توجه به اقتضات زمانه و رویدادهای مهم در این دوره بازتعریف می‌شود.

۱. محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۸، ص ۶۷؛ احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ص ۴۵۴؛ یوسف بن عبدالله ابن‌عبدالبر، الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۶۹.
۲. احمد بن ابی‌یعقوب یعقوبی، تاریخ الیعقوبی، ج ۱، ص ۴۱۹.
۳. محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۸، ص ۴۰.
۴. همان، ص ۴۹۷؛ عبدالملک ابن‌هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۶۴۶؛ احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۴، ص ۲؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۴۶۱.
۵. محسن الویری، «فرانقش هدایتگری و سیره اجتماعی فاطمه علیها السلام؛ درآمدی روش‌شناختی»، ص ۱۶.

مجموعه نقش‌های زنان را در چهار بخش زیر می‌توان بررسی کرد:

۱. نقش‌های سیاسی که در دو حیطه درک سیاسی و فعالیت‌های سیاسی بررسی می‌شود و نمونه‌هایی از زنان را پیش‌بینی می‌کند که با بصیرت و درک سیاسی از موقعیت و شرایط زمانه خویش بحران‌های سیاسی را پشت سر گذاشتند؛ همچنین گروهی از زنان که با فعالیت‌های متنوع مانند گفتگو و نامه‌نگاری به روش بازدارنده برای پیشگیری از بحران سیاسی و جنگ تلاش کردند و آمادگی خویش و فرزندانشان را برای یاری امام اعلام نمودند در این طیف می‌گنجند.^۱
۲. نقش‌های فرهنگی که در قالب نقل روایت، سخنوری و سرایش اشعار به روشنگری در جامعه مردد و متحیر خویش پرداختند و در بحوه نبرد با سرایش اشعار حماسی سرشار از مفاهیم و معانی تأثیرگذار، رزمندگان را تحریض و تحریک به دفاع از امام علیه السلام می‌کردند.^۲
۳. نقش‌های نظامی که هم در مراحل مقدماتی پیش از نبرد و هم در حین جنگ نقش آفرینی داشتند.^۳

۴. نقش‌های امدادگری و مسائل مربوط به سلامت که با توجه به آموزش‌ها و توصیه‌های بهداشتی امام علی علیه السلام به برخی از زنان امدادگر بازتعریف می‌شود.^۴

حضور جمعی زنان در بزنگاه‌ها و پیچ‌های تاریخی همواره چشمگیر و در انتقال پیام و مفاهیم، قدرتمند بوده است و بیش از حرکت و حضور فردی، یک جریان را به پیش می‌راند. بسیاری از جنبش‌ها، قیام‌ها و انقلاب‌ها مرهون همین حرکت‌های جمعی است که به مرور به سنت و حرکتی پایدار تبدیل می‌شود؛ شواهد فراوانی از این حضور را می‌توان در منابع تاریخی مشاهده کرد.

- حرکت جمعی گروهی از زنان که به حمایت از امیرالمؤمنین علی علیه السلام در جمل و صفین حماسه آفریدند، خطبه خواندند، شمشیر به دست گرفتند، شعر حماسی سرودند و به تحریک عواطف اجتماعی پرداختند از این قبیل نقش‌های ماندگار است. نقش زنان حامی امام علی علیه السلام

۱. احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۴۳۰؛ ابواسحاق ابراهیم بن محمد ثقفی، الغارات، ص ۳۹۰؛ احمد بن ابی‌یعقوب یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۱۳.

۲. محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۸، ص ۴۶۵.

۳. ر.ک: ابواسحاق ابراهیم بن محمد ثقفی، الغارات، ج ۱، ص ۲۰۴.

۴. برای اطلاع ر.ک: محمد بن محمد شیخ مفید، الجمل، ص ۱۸۶؛ یوسف بن عبدالله ابن‌البربر، الاستیعاب، ج ۴، ص ۴۵۶.

چنان تأثیرگذار بود که معاویه با هدف تهدید یا تطمیع و فهم علت حمایتشان از امام علیه السلام آنها را به دربار خود فراخواند. نام این گروه، «وافدات» بود و ضبّی (م ۲۲۲) در کتاب اخبار الوافدات به بیان ویژگی‌های آنان پرداخت.^۱

- نقش زنان در قیام مختار ثقفی در سال ۶۶ هجری و تدارکات قیام و حتی نقش آفرینی یکی از عوامل پیروزی بود؛ چنان‌که تداوم نیافتن این حرکت‌ها و گرفتاری زندگی روزانه و حتی روزمرگی شدن آنها آسیبی بود بر قیام پیروز شده مختار و در افول زود هنگام این دولت مؤثر بود. در قیام مسلم بن عقیل نیز جای خالی این حرکت‌های جمعی زنان دیده می‌شود و تأثیر مستقیم آن بر به نتیجه نرسیدن حرکت مسلم هویداست.

- بی‌بدیل‌ترین نقش را زنانی در بغداد به سال ۳۵۲ هجری قمری آفریدند. برای نخستین بار در روز عاشورا گروهی از زنان در حرکتی هماهنگ و معنادار در بازار بغداد به عزاداری جمعی برای امام حسین علیه السلام پرداختند. ذهبی (م ۷۴۸) این حرکت را نخستین عزاداری در بغداد می‌داند که بعد از آن برای شیعیان تبدیل به سنت شد.^۲ به گواه منابع تاریخی، از دوران آل بویه به بعد به این سنت اقتدا می‌شد. سیوطی گوید نخستین عزاداری حسین بن علی را زنان در بغداد انجام دادند که بعدها استمرار یافت.^۳ بنا به نقل ابن‌اثیر، زنان بغداد در این سال با بازکردن روبنده‌ها و سیاه کردن صورت‌ها، به گونه‌ای هماهنگ لطمه‌زنان در بازار می‌دویدند و کسی قدرت ممانعت از حرکت آنان را نداشت.^۴

حرکت‌های جمعی زنان ایرانی در تاریخ معاصر

سیر نقش آفرینی زنان با تاسی از حرکت‌های جمعی زنانه تاریخ تشیع را در تاریخ معاصر ایران به روشنی می‌توان رصد کرد. برخی از این حرکت‌ها عبارت‌اند از:

۱. زنان ایران پیش از انقلاب در سال ۱۳۵۷ گروهی در تجمعات شرکت می‌کردند، شعار می‌دادند و مطالبه‌گر بودند. این راهپیمایی‌های عظیم و یکپارچه که زنان جمعیت غالب آن

۱. عباس بن بکار ضبّی، اخبار الوافدات، ص ۲۰ - ۶۰؛ نیز ر.ک؛ فضل بن حسن طبرسی، اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۴۰.

۲. شمس‌الدین ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۲۶، ص ۸۶۴.

۳. یوسف ابن‌تغری بردی، النجوم الزاهرة، ج ۳، ص ۳۳۴.

۴. جلال‌الدین سیوطی، تاریخ الخلفاء، ص ۴۷۴.

۵. علی بن محمد ابن‌اثیر، الكامل فی التاریخ، ج ۸، ص ۵۴۹.

باشند و حتی گروه پشتیبان و تدارکات نیز زنان باشند، تا پیش از آن زمان سابقه نداشت. این حرکات در کنار سایر عوامل در نهایت موجب پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی شد.

۲. نقش آفرینی جمعی زنان در تدارکات و پشتیبانی در هشت سال دفاع مقدس تفاوت چشمگیری داشت و در آثار فراوانی ثبت شده است.

۳. پس از انقلاب و در جریان فتنه‌های دوران انقلاب اسلامی ایران از ابتدا تاکنون، تاریخ ایران زمین بارها شاهد حرکت‌های جمعی همراه با نمادهایی چون پرچم، مشت‌های گره‌کرده، شعارهای کوبنده و تأثیرگذار و روشنگری برای دفع فتنه و گرفتن راه نفس فتنه‌گران بوده است.

۴. اما از نهم اسفند ۱۴۰۴ مصادف با دهم ماه مبارک رمضان که تهاجم وحشیانه آمریکای جنایتکار و رژیم صهیونیستی به ایران اسلامی آغاز شد، حضور فعال و شگفت‌انگیز زنان با سبک و سیاق جدید جلوه‌ای جهانی یافت. این بار نقش آفرینی زنان افزون در میدان فیزیکی، در جنگ نرم و فضای مجازی نیز گسترش یافت.

در جریان جنگ تحمیلی سوم که میدان نبرد به خیابان‌ها، فضاها، عمومی و تجمعات سیاسی کشیده شده است، جامعه بین‌الملل از حضور آگاهانه، منسجم و هدفمند ملت ایران شگفت‌زده شده است. در این میان، زنان ایران نقشی مستقل و مرکزی ایفا می‌کنند.

در بسیاری از شهرها، زنان حتی با درصد مشارکتی بالاتر از مردان، پرچم به دست می‌گیرند، خانواده‌ها را همراهی می‌کنند و عرصه خانوادگی را با فضای اجتماعی و سیاسی پیوند می‌دهند. مادران با درک اهمیت ملی، منطقه‌ای و جهانی این اجتماع‌ها، برنامه‌های خانواده‌ها را با محوریت حضور در تجمعات تنظیم می‌کنند. زنان با حساسیت نظری به ابعاد روان‌شناختی و ارتباطی فرزندان و حتی گاه همسران، زمینه حضور خانوادگی در تجمعات را فراهم می‌آورند.

رفتارهای به‌ظاهر ساده‌ای مانند تأمین خوراکی برای فرزندان تا حال خوشی را در پیاده‌روی تجربه کنند، تجهیز کودکان و نوجوانان به اقلام نمادین مانند پرچم و چفیه برای اینکه با این اقلام و اعلام به هویت انقلابی نزدیک‌تر شوند، ترغیب به حضور کودکان و نوجوانان پشت تریبون‌های شعار دهی برای رشد عزت‌نفس آن‌هم در مجرای انقلابی، از جمله فعالیت‌های تمدنی زنان محسوب می‌شود که هویت انقلابی را به نسل‌های بعد انتقال می‌دهند.

همچنین بانوان در طول روز کلاس‌های هلال‌احمر و امداد برگزار می‌کنند تا جامعه آمادگی برای مخاطرات جنگ را داشته باشد. از سوی دیگر نیز زنان فرهیخته در فضاها، مجازی به تولید محتوا می‌پردازند و جامعه ایران و افکار عمومی جهان را با روایت‌های واقعی از جنگ دفاعی کشور آشنا می‌کنند.

مجموع این فعالیت‌ها، زنان ایرانی را در جایگاه عاملان و کنشگران فعال عرصه جنگ مطرح کرده است. زنان ایران در عرصه این جنگ منطقه‌ای، نه حضوری حاشیه‌ای یا تقلیدی، بلکه حضوری آگاهانه، اندیشمندانه و عقلانی دارند و بخشی حساس و مهمی از میدان را در کنار مردان و گاه پرشورتر از آنان، پیش می‌برند. این حضور همان الگویی است که دو رهبر انقلاب اسلامی - امام خمینی راحل و امام خامنه‌ای شهید - به مثابه «الگوی سوم زن مسلمان» برای زنان ایران ترسیم کرده‌اند؛ الگویی که در آن زن با حفظ حریم عفت و حیا و توجه به اولویت مدیریت خانواده، در مرکز جامعه حضور دارد و نقش آفرین است.

شاخصه‌های الگوی سوم زن مسلمان از دیدگاه مقام معظم رهبری^۱

در منظومه فکری انقلاب اسلامی، «الگوی سوم زن»^۲ به مثابه راهی مستقل^۳ «نه شرقی و نه غربی» معرفی می‌شود. این الگو در نقد دو دیدگاه افراطی شکل گرفته است:

الف) الگوی شرقی که زن را به حاشیه می‌راند؛ **ب) الگوی غربی** که با غلبه دادن جنسیت بر انسانیت، او را به ابزاری جنسی و در خدمت سرمایه‌داری تقلیل می‌دهد. اما الگوی سوم در

۱. تصریحات رهبری شهید به عبارت «الگوی سوم زن مسلمان» در بیانات زیر صورت گرفته است: بیانات در دیدار جمعی از زنان، ۱۳۷۱/۰۹/۲۵، گوشه‌هایی از سبک زندگی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، ۱۳۹۴/۱۲/۱۹، بیانات در دیدار مداحان اهل بیت علیهم السلام، ۱۳۹۶/۱۲/۱۷، اهمیت «حجاب»، شیوه‌های ترویج آن و راهکارهای مقابله با بدحجابی از منظر رهبر انقلاب اسلامی؛ با محبت و مدارا، ۱۳۹۸/۴/۱۷، بیانات در دیدار اقشار مختلف بانوان، ۱۴۰۳/۹/۲۷.

۲. زن در منطق اسلام و معرفت اسلامی یک الگویی دارد، یک چهارچوبی برای زن معین شده است. این چهارچوب یک چهارچوب کامل است؛ یعنی زن اسلامی عبارت است از آن موجودی که دارای ایمان است؛ دارای عفاف است؛ متصدی مهم‌ترین بخش تربیت انسان است؛ اثرگذار در اجتماع است؛ دارای رشد علمی و معنوی است؛ مدیر کانون بسیار مهم خانواده است؛ مایه آرامش مرد است؛ همه اینها در کنار خصوصیات زنانگی است، مثل لطافت؛ مثل رقت قلب؛ مثل آمادگی دریافت انوار الهی؛ این الگوی زن مسلمان است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۶/۱۲/۱۷).

۳. یکی از کمبودهای مهم در جامعه ما، مشخص نبودن الگوی زن مسلمان بوده است؛ به خاطر همین کمبود، فرهنگ‌های اجنبی مدت‌ها در جامعه ما مجال تاخت و تاز یافتند ... در طول نیم قرن اخیر، خلاءهای ذهنی در مردم و به خصوص در میان بانوان فرصت مناسبی برای بداندیشان فراهم آورد، تا الگوهای مورد نظر خود را به صورت ذهنی و واقعی در جامعه مطرح کنند و زن ایرانی را مانند همه زنان کشورهای اسلامی به سمت الگوهای فرهنگ صنعتی غرب سوق دهند (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۴/۱۰/۱۲).

مقابل، زن را در جایگاه حقیقی انسانی و الهی خود قرار می‌دهد.^۱ اصل بنیادین این الگو، تقدم «انسانیت» بر «جنسیت» است؛ به این معنا که هویت اصلی انسان‌ها مشترک است و جنسیت امری ثانوی است که در مسیر کمال نقشی تعیین‌کننده ندارد، هرچند تفاوت‌های کارکردی طبیعی زن و مرد را نفی نمی‌کند.^۲

ارکان هویتی این الگو درهم‌تنیده‌اند: «عفیف‌بودن» (کرامت و تعالی روحی)، «محبوبه‌بودن» (نماد استقلال هویتی و ابزار حضور مصون در جامعه) و «شریف‌بودن» (بزرگواری ذاتی). این ویژگی‌ها بستر تحقق شاخصه چهارم، یعنی «در متن و مرکزبودن» را فراهم می‌کنند.^۳ این کنشگری فعال در سه عرصه رشد فردی، محوریت در خانواده و حضور مؤثر در اجتماع (مشروط به حفظ اولویت خانواده و رعایت حدود شرعی) تعریف می‌شود.^۴

این الگو در تقابل مستقیم با نگاه غرب قرار دارد که با تحمیل «نامعادله» مرد «ذی‌نفع» و زن «مورد انتفاع»، بحرانی حقیقی برای زن ایجاد کرده است؛ از این رو موضع الگوی سوم در برابر غرب، نه تدافعی بلکه «تهاجمی» و «مدعی» است.^۵ تحقق کامل این الگو نیازمند نوعی جهاد فکری - فرهنگی است که لازمه آن «پرکردن خلأهای نظری» با تکیه بر معارف اسلامی و «رد مرجعیت فکری غرب» است. در این مسیر، خود بانوان نقش‌آفرینان اصلی هستند و وظیفه دارند با اندیشه‌ورزی، هویت والای زن مسلمان را به جهان معرفی کنند.^۶

زن و مرد در نگاه اسلامی فراتر از جسم و تمایلات مادی تعریف می‌شوند؛ همچنین ارزشمندی آنان ذاتی و مرتبط با روح، فطرت و قرب به خداوند است. این نگاه در مقابل نگاه تقلیل‌گرایانه مادی غرب قرار می‌گیرد که زن را غالباً به «کالای جنسی» یا «عامل تولید اقتصادی» تقلیل می‌دهد.^۷

۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۱۲/۱۶.

۲. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۱۰/۱۴ و ۱۳۹۳/۰۱/۳۰.

۳. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۰۷/۳۰ و ۱۳۹۶/۱۲/۱۷.

۴. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۰۳/۰۲، ۱۳۸۶/۰۴/۱۳، ۱۳۸۱/۰۶/۰۶ و ۱۳۷۰/۱۰/۰۴.

۵. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۰۳/۰۱.

۶. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۰۳/۰۱ و ۱۳۷۹/۰۶/۳۰.

۷. «یک الگوی انحرافی وجود دارد که در دوره‌های مختلف زمان متفاوت است؛ امروز آن الگوی انحرافی، الگوی زن غربی است. این دوره‌ای که ما زندگی می‌کنیم، به جای همه خصوصیات برجسته و ممتازی که در زن اسلامی مشاهده کردیم، خصوصیت و امتیاز عمده زن غربی امروز این است که بتواند نظر مردان را جلب کند و در معرض التذاذ مردان قرار بگیرد» (بیانات در دیدار جمعی از زنان، ۱۳۹۶/۱۲/۱۷).

تفاوت‌های جسمانی و روانی زن و مرد، تضادی با کرامت ذاتی ایجاد نمی‌کند، بلکه ابزارها و قالب‌های متفاوتی برای حرکت در مسیر یک هدف مشترک، یعنی کمال و قرب الهی هستند. «هرکدام نقشی دارند، هرکدام جایی دارند... مقصودی از وضعیت خاص آنها در آفرینش حکیمانه الهی موردنظر بوده که این مقصود باید برآورده شود».^۱

۱. اهمیت به نهاد خانواده به مثابه یک سنت الهی: در منظومه فکری الگوی سوم زن مسلمان، ازدواج و تشکیل خانواده سنت الهی محسوب می‌شود؛ ازاین‌رو هم زن و هم مرد مأمور به تشکیل خانواده‌اند و هر دو در ساماندهی آن وظیفه دارند. از سویی به دلیل تأثیر جدی زن در نهاد خانواده، این امر بر سایر وظایف اجتماعی نوعی تقدم می‌یابد؛ هرچند این تقدم نباید به معنای انحصار شأن زن در عرصه خانواده عنوان گردد. به همین وزن فرزندآوری و مادری نیز وظیفه‌ای الهی محسوب می‌شود.

۲. اصل حیا و عفاف به مثابه مبنای هنجاری در روابط دو جنس: حیا معمولاً هنجاری اخلاقی محسوب می‌شود؛ اما در الهیات اجتماعی جنسیت در منظومه الگوی سوم، اصل حیا به مثابه یک اصل انسان‌شناختی حاکم بر روابط زوجین در سطح اجتماع ضرورت می‌یابد.^۲

نقد مبانی غربی: تقابل دو جهان بینی مادی و الهی

دیدگاه اسلامی در تقابلی روشن با مبانی انسان‌شناختی غرب قرار می‌گیرد. اسلام با رویکردی فرامادی، کل‌نگر و فطری، زن را با هویت مستقل و ارزش ذاتی «زن‌بودن» تعریف می‌کند. ارزشمندی زن نه در تشبیه به مرد، که در «زن کامل‌بودن» است. زن‌بودن در الهیات اجتماعی اسلامی به مثابه ارزش مستقل محسوب می‌شود؛ ازاین‌رو عالی‌ترین ارزش برای زن، زن کامل‌بودن است نه شبیه مردشدن.

۱. بیانات رهبری در جمع بانوان، ۱۳/۰۴/۱۳۸۶.

۲. «از همه این صفات بالاتر و در رأس آنها حیاست؛ بیند این چقدر اهمیت دارد و چقدر فاجعه‌بار است. سیاستی که امروز در دنیا به وسیله عوامل قدرت‌های ضد بشری برای زدودن حیا رایج است، واقعاً الان با یک سیاستی با یک تدبیری در همه دنیا دارد کار انجام می‌گیرد برای اینکه حیا را از بین مردم بردارند... مسئله اختلاط زن و مرد یک مسئله است، مسئله پوشش زن و مرد یک مسئله است... حیا برای مرد فضیلت است برای زن هم فضیلت است و این حیا مظاهری دارد؛ یکی از مظاهرش پوشش ظاهری است؛ یکی از مظاهرش معاشرت‌ها و مکالمات سخنورانه است که انسان در حرف‌زدن، در اظهارنظرکردن، در تبادل کلمات حیا را ملاحظه کند» (۱۳۹۷/۱۲/۱۳).

ویژگی‌های زنانه در این منظومه فکری و ارزشی، موهبتی الهی به شمار می‌آید. عاطفه، لطافت، صبر، مهرورزی و سایر ویژگی‌های غالباً زنانه، موهبت‌های الهی و دارای ارزش ذاتی هستند که نه تنها نباید سرکوب شوند، بلکه باید مبنای نقش آفرینی اجتماعی قرار گیرند.^۱ اما غرب رویکردی مادی‌گرایانه و تقلیل‌گرایانه دارد که یا زن را به بدن و جاذبه جنسی تقلیل می‌دهد (نگاه مصرف‌گرایانه) یا با شعار برابری صوری، او را به «مردی ناقص» یا «مرد مصنوعی» تبدیل می‌کند.

رهبر شهید انقلاب در این باره می‌فرماید:

غربی‌ها در زمینه شناخت طبیعت زن و چگونگی برخورد با جنس زن، دچار افراط و تفریط بوده‌اند. اساساً نگرش غربی نسبت به زن، یک نگرش مبنی بر عدم برابری و عدم تعادل است. شما به شعارهایی که در غرب داده می‌شود، نگاه نکنید؛ این شعارها پوچ است و حاکی از واقعیت نیست. فرهنگ غربی را از این شعارها نمی‌شود فهمید. فرهنگ غربی را باید در ادبیات غربی جستجو کرد. کسانی که با ادبیات اروپایی، با شعر اروپایی، با رمان و داستان و نمایشنامه‌های اروپایی آشنا هستند، می‌دانند که در چشم فرهنگ اروپایی، از دوران قرون وسطی و بعد از آن تا اواسط قرن فعلی، زن موجود درجه دوم بوده است! هرچه بر خلاف این ادعا کنند، خلاف می‌گویند... یک افراط این چنین، در مقابل تفریط هم دارد. وقتی نهضتی به نفع زنان در چنان فضایی به وجود می‌آید، طبعاً دچار تفریط‌هایی از طرف مقابل می‌شود؛ لذا شما می‌بینید در طول چند ده سال، آن چنان فساد و بی‌بندوباری در غرب به وسیله آزادی زنان به راه افتاد و رواج پیدا کرد که خود متفکران غربی را دچار وحشت کرد.^۲

گفتمان غرب در مسئله زن، ریشه در معرفت‌شناسی مادی و سکولار دارد که خدا و امر متعالی را از صحنه زندگی بشر حذف می‌کند. بنابراین تقلیل زن به بعد مادی وجودش (تن، لذت، منفعت اقتصادی) در واقع نوعی برابری طلبی ویران‌کننده است که با نادیده گرفتن تفاوت‌های فطری، به «مردنمایی» زن می‌انجامد. «می‌خواهند زن را وادار کنند به اینکه شود یک مرد! ... یک مرد

۱. «ظرافتی که می‌گوییم تنها ظرافت در ترکیب جسمانی و ساختمان جسمانی نیست، بلکه ظرافت در فکر و اندیشه و تدبیر و دستگاه تصمیم‌گیری است که خدای متعال در زن قرار داده؛ بنابراین به نظر من اساس کار باید این باشد این گفتمان بایستی تقویت بشود و پیش برود» (۱۳۹۲/۰۲/۲۱).

۲. بیانات در دیدار جمعی از زنان، ۱۳۷۶/۰۷/۳۰.

مصنوعی»^۱. شعار برابری غربی مبتنی بر تشابه محض و نادیده‌گرفتن عدالت مبتنی بر تفاوت است؛ این رویکرد به جای رفع ستم، ساختارهای ظالمانه جدیدی ایجاد می‌کند. زن در بسیاری از خوانش‌های غربی، ابزاری برای پیشبرد اهداف سرمایه‌داری، مصرف‌گرایی و ایدئولوژی‌های جنسی شده است. آزادی تعریف شده در غرب، اغلب به معنای رهایی از قید اخلاق و خانواده و افتادن در دام انواع بهره‌کشی‌هاست. گفتمان افراطی فمینیسم غربی با علیه‌خوانی نقش‌های مادری و همسری، به تضعیف عمده نهاد خانواده می‌انجامد که پیامدهای ویرانگر اجتماعی و روانی داشته است.

در حالی که در منظومه الهی و اسلامی، خانواده کانون اصلی تحقق اهداف خلقت، محل رشد معنوی، عاطفی و اجتماعی و اساسی‌ترین نهاد اجتماعی است. هر سیاست و نظریه‌ای که به تضعیف این نهاد بینجامد، از منظری الهیاتی مردود است.^۲

خانواده و جنگ

تقابل امروز با غرب، در واقع تقابل «هویت خانوادگی» در برابر «فردگرایی بی‌هویت» است. موفقیت جبهه مقاومت نتیجه انسجام خانواده‌هاست؛ در حالی که ریشه بحران‌ها و ناآرامی‌های اجتماعی را باید در گسست جوانان از نهاد خانواده جستجو کرد.

تغییر ماهیت جنگ‌ها به نبردهای خانوادگی مسئله دیگر قابل توجه است. جنگ‌های کنونی دیگر صرفاً مردانه نیستند، بلکه ماهیتی کاملاً «خانوادگی» یافته‌اند. حضور مشترک خانواده‌ها در عرصه‌های مختلف و گره خوردن تربیت فرزندان با آرمان‌ها، راهکار اصلی مقابله با جنگ نرمی است که فروپاشی خانواده را هدف گرفته است. تقسیم کار تربیتی و پرورش مسئولیت‌پذیری، یکی از عرصه‌های تأثیرگذاری مادران در جنگ است. مادران در محیط خانه، کانون آرامش و محبت هستند و پدران مسئولیت‌مدیریت نهایی را بر عهده دارند. پیوستگی خانواده و تمرین نقش‌ها در خانه، عامل اصلی پرورش جوانانی مسئولیت‌پذیر برای عرصه‌های سخت اجتماعی و نظامی است.^۳

۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶/۰۴/۱۳.

۲. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۶۶/۱۱/۱۷.

۳. محمدحسین شاه‌آبادی، «حکمرانی زن و خانواده در جنگ و پسا‌جنگ».

کتابنامه

۱. ابن اثیر، علی بن محمد، الكامل فی التاريخ، بیروت: دارصادر، ۱۳۸۵ ق.
۲. ابن تغری بردی، یوسف، النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة، قاهره: وزارة الثقافة و الارشاد القومي، ۱۳۹۲ ق.
۳. ابن سعد، محمد بن سعد بن منیع، الطبقات الكبرى، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ ق.
۴. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، تحقیق: علی محمد البجاوی، بیروت: دارالجلیل، ۱۴۱۲ ق.
۵. ابن هشام الحمیری المعافری، عبدالملک، السیرة النبویه، تحقیق: مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری و عبدالحفیظ شلیبی، بیروت: دارالمعرفه، [بی تا].
۶. الویری، محسن، «فرانقش هدایتگری و سیره اجتماعی فاطمه علیها السلام؛ در آمدی روش شناختی»، فصلنامه علمی - پژوهی شیعه شناسی، ش ۲۸، ص ۷، ۱۳۸۸ ش.
۷. بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، قاهره: مكتبة النهضة المصرية، ۱۹۵۶ م.
۸. ثقفی کوفی، ابواسحاق ابراهیم بن محمد، الغارات، تحقیق: جلال الدین حسینی ارموی، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۳ ش.
۹. ذهبی، محمد بن احمد، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، تحقیق: عمر عبدالسلام التدمری، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۹ ق.
۱۰. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، تاریخ الخلفاء، مصر: مطبعة السعادة، [بی تا].
۱۱. شاه آبادی، محمد حسین، «حکمرانی زن و خانواده در جنگ و پسا جنگ»، در: https://farsnews.ir/Pj_motaleat_eslami/1775926854900578080.
۱۲. الضبی، عباس بن بکار، أخبار الوفادات من النساء علی معاویة، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۳ ق.
۱۳. طبرسی، فضل بن الحسن، اعلام الوری باعلام الهدی، قم: آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۷ ق.
۱۴. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالتراث، ۱۳۸۷ ق.
۱۵. مفید، محمد بن محمد، الجمل و النصره لسید العتره فی حرب البصره، مصحح: علی میرشریفی، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
۱۶. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، بیروت: دارصادر، [بی تا].